

چرا مردم ایران کتاب نمی‌خرند؟

معمولا گفته شده مردم به علت مشکلات اقتصادی و بی‌پولی کتاب نمی‌خرند اما برخی از فعالان حوزه کتاب معتقدند در کنار این موضوع چیز دیگری که باعث کتاب نخریدن و پایین آمدن تیراژ آن شده بی‌اعتمادی مردم به کتاب‌های منتشرشده است که می‌تواند از تبعات ممیزی کتاب و سانسور باشد.



معمولا گفته شده مردم به علت مشکلات اقتصادی و بی‌پولی کتاب نمی‌خرند اما برخی از فعالان حوزه کتاب معتقدند در کنار این موضوع چیز دیگری که باعث کتاب نخریدن و پایین آمدن تیراژ آن شده بی‌اعتمادی مردم به کتاب‌های منتشرشده است که می‌تواند از تبعات ممیزی کتاب و سانسور باشد.

به گزارش خبرنگار کتاب خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، فضای نشر کشور مدت‌هاست که دچار رکود شدیدی شده است و این رکود در فضای نشر کشور را می‌توان در پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها به راحتی دید؛ موضوعی که ناشران به صراحت از آن ابراز نگرانی می‌کنند، زیرا پر واضح است که شمارگان کتاب یکی از عوامل تعیین‌کننده و از مهمترین شاخصه‌های ارزیابی رشد و توسعه فرهنگی در هر جامعه‌ای است و پایین آمدن شمارگان کتاب در هر کشوری نشان از بی‌توجهی و بی‌علاقگی مردم آن جامعه به سرنوشت فرهنگی خود است؛ بی‌توجهی‌ای که دلایل مختلفی دارد و به همین خاطر فعالان این حوزه همواره بابت تشدید و تأثیر آن در ذهن و فکر آینده‌جویان ایرانی ابراز نگرانی کرده‌اند.

به اعتقاد برخی از فعالان حوزه نشر، بی‌اعتمادی مردم به کتاب‌ها یکی از عوامل اصلی کتاب نخواندن مردم و در نتیجه رسیدن تیراژ کتاب به 500 نسخه است، آن‌چنان‌که **صالح رامسری - مدیر انتشارات معین** این بی‌اعتمادی را از اصلی‌ترین دلایل پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها می‌داند و می‌گوید: «روند بی‌اعتمادی مردم به کتاب‌ها از نیمه دوم دولت نهم یعنی اولین دوره ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد، و با سخت‌گیری مدیران وزارت ارشاد او آغاز شد که در ادامه باعث به‌وجود آمدن حس بی‌اعتمادی مردم نسبت به آثار منتشرشده شد و همین موضوع باعث شده است که مردم کتاب نخرند.

او حتی از رخنه بی‌اعتمادی در بین بچه‌ها هم سخن به میان می‌آورد و می‌گوید: «در همین نمایشگاه امسال وقتی کودکان برای خرید کتاب «قصه‌های مجید» به ما مراجعه می‌کردند می‌گفتند که چاپ قدیمی آن را به ما بدهید و وقتی از آن‌ها سؤال می‌کردیم که چرا چاپ قدیمی کتاب‌ها را می‌خواهید می‌گفتند چون آن‌ها سانسور نشده است.»

این ناشر البته نبود فرهنگ مطالعه در خانواده‌های ایرانی را از دیگر دلایل پایین آمدن تیراژ کتاب در ایران ذکر می‌کند و در این باره می‌گوید: «مردم ما عادت به مطالعه ندارند و آموزش و پرورش و معلمان از کودکی خواندن کتاب و ادبیات را به دانش‌آموزان یاد نمی‌دهند، به همین خاطر است که در جوانی و بزرگسالی نیز مطالعه نمی‌کنند و وقتی مطالعه نمی‌کنند، نمی‌توانند فکر کنند و درباره موضوعات مختلف تحلیل داشته باشند.

رامسری سپس چنین اظهار نظر می‌کند: «در آینده ممکن است هر بلایی سر این مردم بیاید، چون آن‌ها حرف‌های هر جای دنیا را به راحتی باور می‌کنند و در نتیجه غریبه‌ها و ماهواره‌ها به راحتی هر جور که بخواهند می‌توانند آن‌ها را بازی دهند، چون آن‌ها از تاریخ و فرهنگ خود بی‌اطلاع هستند و چیزی از آن نمی‌دانند.»

همچنین **وحدت رهروان - مدیر انتشارات میترا** با تأکید بر حس بی‌اعتمادی مردم به کتاب‌های ممیزی‌شده و تأثیر آن در کتاب نخریدن مردم می‌گوید: «چون در طول سال‌ها اعمال ممیزی سلیقه‌یی و بدون ضابطه از سوی ممیزان وزارت ارشاد باعث حذف و اضافه شدن متن و به هم خوردن ساختار نوشته‌های کتاب‌ها شده که به هیچ وجه با جامعه‌ای که کتاب در آن نوشته شده همخوانی نداشته است، به همین خاطر مردم به این کتاب‌ها اعتماد ندارند و دلیلی نمی‌بینند که این‌گونه کتاب‌ها را بخرند.»

او در همین رابطه میزان بالای فروش کتاب‌های ممنوع را در مقایسه با کتاب‌های مجوزدار باورنکردنی می‌داند و سپس نتیجه می‌گیرد که ممیزی تأثیر زیادی بر روی خوانده شدن یا نشدن کتاب‌ها و در نهایت پایین آمدن تیراژ آن‌ها دارد.

این ناشر سپس به دیگر دلایل پایین آمدن تیراژ و آشفته‌گی بازار نشر اشاره می‌کند. او تکراری بودن کتاب‌ها و تنوع پایین آثار تولیدشده و ترجمه‌یی و کثرت ناشران در فضای نشر کشور را از دیگر دلایل پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها می‌داند و درباره تعداد زیاد ناشران می‌گوید: «در حال حاضر حدود 9 هزار ناشر از سوی وزارت ارشاد مجوز فعالیت گرفته‌اند در صورتی که بسیاری از آن‌ها کار خاصی در حوزه تولید فرهنگ و فکر و اندیشه ندارند. اگر تعداد این ناشران مثلا حدود 500 یا 1000 ناشر بود حمایت‌ها و سرمایه‌ای که به این تعداد ناشران تعلق می‌گرفت تا با آن فیلم و زینک تهیه کنند، بیشتر بود و کارهای آن‌ها هدمندتر بود. اما در وضعیت فعلی معلوم نیست چرا باید در مملکت ما 9 هزار ناشر وجود داشته باشد؟

رهروان نبود ضابطه مشخص برای دادن مجوز به فعالیت ناشران را یک ضعف اساسی در فضای نشر کشور می‌داند و می‌گوید: «اگر کسی بخواهد جگرگی باز کند باید صلاحیتش از سوی چند نهاد و وزارتخانه احراز شود، اما معلوم نیست چرا کار کتاب این قدر بی‌ضابطه است و هر کس بخواهد می‌تواند به راحتی مجوز نشر کتاب بگیرد.»

از سوی دیگر، **علی باقری چرخي - مدیر انتشارات نگینا** - باندبازی در توزیع و پخش کتاب و نبود سیستم پخش سراسری کتاب را عاملی برای سیر نزولی انتشار کتاب در ایران می‌داند و در این زمینه می‌گوید: «در ایران سیستم پخش سراسری کتاب وجود ندارد و توزیع کتاب تنها دست گروهی خاص است که فقط کتاب‌های باند خود را توزیع می‌کند.»

او نیز همچون دیگر ناشران با تاکید بر بی‌اعتماد شدن مردم به کتاب‌های منتشرشده به خاطر ممیزی معتقد است: «تا وقتی در سیستم پخش کتاب باندبازی وجود دارد و به همین خاطر کتاب به صورت سراسری به همه نقاط ایران نمی‌رود و تنها به تهران‌نشین‌ها محدود می‌شود تیراژ کتاب‌ها بالا نمی‌رود، بنابراین در ایران تنها با یک سیستم سراسری پخش کتاب است که می‌توان تیراژ را افزایش داد.»

مهرداد کاظم‌زاده - مدیر انتشارات مازیار هم با اشاره به دلایل ذکرشده از سوی ناشران مختلف برای پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها و بیان این‌که گرانی کاغذ از عوامل پایین آمدن تیراژ کتاب در ایران است، در عین حال می‌گوید: «با وجود این‌که در ایران قیمت کتاب از همه جای دنیا ارزان‌تر است، اما چون مردم ایران علاقه‌ای به کتاب خواندن ندارند و افراد کتاب‌خوان هم معمولاً آدم‌های بی‌پولی هستند بالا رفتن قیمت کتاب خیلی به چشم می‌آید.»

او اضافه می‌کند: «گران شدن قیمت کتاب در ایران در حالی است که در طول چند سال اخیر قیمت همه کالاها چندین برابر شده و به نسبت آن‌ها قیمت کتاب بالا نرفته، اما با این حال به دلایل مختلف تیراژ کتاب در ایران پایین آمده است.» این ناشر اینترنت‌بازی جوانان را که باعث شده همه آن‌ها دریایی از اطلاعات اما به عمق یک سانتی‌متر داشته باشند، از دیگر عوامل کتاب نخریدن ایرانیان بخصوص جوانان می‌داند و می‌گوید: «مخاطبان کتاب‌ها معمولاً آدم‌های معمولی نیستند و البته در همه جای دنیا همین‌گونه است و مردم معمولی کتاب نمی‌خرند، اما با توجه به این‌که در ایران حدود چهار میلیون و نیم دانشجو و ده‌ها هزار استاد دانشگاه وجود دارد رسیدن تیراژ کتاب‌ها به 200-300 نسخه اتفاق عجیبی است. همین است که خیل عظیمی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ما بی‌سواد هستند.»

کاظم‌زاده همچنین از پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها و استفاده ناشران از چاپ دیجیتال ابراز نگرانی می‌کند و معتقد است: «با توجه به روند فعلی صنعت چاپ که باعث شده ناشران به سمت چاپ دیجیتالی کتاب بروند این صنعت به شدت در خطر قرار گرفته و باعث شده که بسیاری از کارگردان فنی چاپخانه‌ها نیز بی‌کار شوند و برای امرار معاش به فعالیت در پیک موتوری‌ها بپردازند که نشان می‌دهد صنعت چاپ کشور در خطر نابودی است.»

اما شعله راجی کرمانی - مدیر انتشارات قصیده‌سرا - دلیل اصلی پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها را فقر فرهنگی مردم می‌خواند و می‌گوید: «به نظر من مردم برای این کتاب نمی‌خوانند چون وقت کتاب‌خوانی ندارند و بیشتر درگیر مسائل مختلف هستند. البته در این زمینه فرهنگ‌سازی هم نشده و به همین خاطر است که می‌بینیم روز به روز تعداد کتاب‌خوان‌ها در جامعه در حال کاهش است.»

این ناشر با بیان این‌که در چند سال اخیر اینترنت جایگزین کتاب شده است و دیگر کتاب در فرم کاغذی مورد استفاده قرار نمی‌گیرد اضافه می‌کند: «با این حال پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها دلیل فرهنگی دارد و به فقر فرهنگی ما برمی‌گردد؛ چون درست است که قیمت کتاب نسبت به گذشته بالا رفته است، اما می‌بینیم که آدم‌ها حاضرند برای خرید یک کفش هزینه‌های زیادی بپردازند ولی حاضر نیستند یک کتاب با قیمت 15 هزار تومان بخرند.»

اعظم کیان‌افراز - مدیر انتشارات افراز - نیز یکی از اصلی‌ترین دلایل پایین آمدن تیراژ کتاب را گران شدن کاغذ می‌داند که باعث گرانی کتاب و در نهایت نبود تقاضا از سوی مردم شده است.

او نبود ویتترین برای عرضه کتاب را هم از دیگر دلایل به وجود آمدن شرایط فعلی انتشار کتاب می‌داند و می‌گوید: «مجموعه دولت، وزارت ارشاد، آموزش و پرورش و شهرداری می‌توانند با بهره‌گیری از راهکارهایی تقاضا را بیشتر کنند تا ناشران بتوانند برای ادامه فعالیت دوام بیاورند.»

این ناشر ادامه روند فعلی در انتشار کتاب با تیراژ کمتر از 1000 نسخه را باعث ورشکستگی ناشران می‌داند. او معضل دیگری به اسم انبارداری را به دلیل فروش نرفتن کتاب‌ها نوعی مصیبت برای ناشران می‌خواند و این موضوع را از دیگر عوامل روی آوردن ناشران به چاپ دیجیتال و انتشار کتاب با شمارگان پایین می‌خواند.

در همین حال **محمد یراقچی - مدیر انتشارات پنجره** - وضعیت ناشران را به علت کتاب نخواندن مردم در آستانه ورشکستگی ارزیابی و شمارگان 500 نسخه‌ای کتاب را راز بقای فعالیت آن‌ها توصیف می‌کند.

او مهم‌ترین دلیل پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها را تورم و ناتوانی اقتصادی مردم می‌داند و می‌گوید: «دلیل پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها و رسیدن شمارگان چاپ کتاب به 400-500 نسخه در درجه اول تورم است که باعث گرانی کتاب شده و به همین خاطر در این شرایط مردم سعی می‌کنند کالاهای اساسی‌تر برای زندگی را تهیه کنند.»

یراقچی همچنین پایین بودن انگیزه مطالعه در ایران را از دیگر عوامل پایین بودن تیراژ کتاب‌ها می‌داند و می‌گوید: «موضوع پایین بودن شمارگان کتاب‌های عمومی در ایران احتیاج به بحث‌ها و سمینارهای مفصل دارد، چون این‌گونه کتاب‌ها در حال از دست دادن مخاطبان‌شان هستند که بخشی از آن به مسائل اقتصادی و بخشی هم به پایین بودن انگیزه مطالعه برمی‌گردد.»

او معتقد است: «در حال حاضر مطالعه ادبیات و روان‌شناسی و به طور کل کتاب‌های عمومی در بین نسل جوان ما تقریباً جایی ندارد.»

با تمام این اوصاف و ضمن بررسی دلایل مختلف پایین آمدن تیراژ کتاب‌ها که نشان می‌دهد مردم کم‌مطالعه شده‌اند، موضوع بی‌اعتمادی مردم به کتاب‌های منتشرشده به دلیل ممیزی هم پررنگ شده و به نظر می‌رسد مردم همان‌گونه که به سریال‌ها و فیلم‌های ایرانی کم‌رغبت شده‌اند، با توجه به رشد روزافزون استفاده از اینترنت و فضای مجازی، این نبود اعتماد در حوزه کتاب نیز رخنه کرده است و به همین خاطر مردم کتاب نمی‌خرند و ناشران نیز چاره‌ای ندارند تا شمارگان کتاب‌های خود را به 500

نسخه کاهش بدهند.

با این‌که اوضاع فعلی و روند بی‌اعتمادی مردم به کتاب‌ها بی‌شک حاصل نوعی سیاست‌گذاری مسئولان پیشین در وزارت ارشاد بوده است و مدیران فعلی نیز تا حدودی به این امر معترف بوده‌اند، به نظر می‌رسد برای ترمیم این بی‌اعتمادی موجود، مسئولان فعلی وزارت ارشاد باید تلاش بسیار زیاد و مداومی انجام دهند تا اوضاع فعلی را قدری تغییر دهند.

گزارش: فرزاد گمار، خبرنگار ایسنا